

شعله حاوید

ناشرانیشاهی و مکرراتیک نوین

شماره دوم پنجشنبه ۲۲ حمل ۱۳۴۷ - ۱۱ اپریل ۱۹۶۸ ع

داکتر عبدالله محمودی

اقتصاد دولتی کنونی ما که بنام سکتور دولتی مسما شده است.

از آنجا که بزرگترین و نیرومندترین قدرت اقتصادی در وضع کنونی جهان، خود دولت است، لذا با تحلیل اقتصاد دولتی میتوان اقتصاد فعلی کشور را بشوئی درک کرد.

منابع عواید دولت در جر یا ن بلان پنجمال دوم چنین بوده است

	۱۳۴۴	۱۳۳۷-۴۰	
مختصر لات وارداتی:	۷۸۷	۱۱۲۰	میلیون افغانی
منافع تشبثات دولتی:	۲۹۷	۶۱۲	"
در آمد از جایزاد هسار سر ما یه			
گذاوری و فیس ما:	۲۶۴	۴۰۸	"
مالیات بر زمین و هواشی:	۱۱۴	۱۶۸	"
مالیات بر عایدات:	۱۸۸	۴۰۶	"
استقراض دولت از بانک مرکزی			
(در طرف سه سال اخیر بلان دوم			
			۲۶۷۰

بیکره های فوق نشان دهنده این مطلب است که بزرگترین رقم در منابع عایداتی داخلی دولت را ناچر دلال تشکیل داده و منابع تشبثات خود دولت (ناچر برو کرات و ملاک برو کرات) حجاب مقام دوم است. علاوه بر بیکره اخیر نشان میدهد که بر نامه گذاری دولتی علت حقیقی انقلاب سیر و بلند رفتن نرخ افسارگریز شده که این خود ریزش سود بیشتر به کیسه ناچر دلال را بار می آورد.

منابع مالی خارجی بلان دوم همگی به سر ما به گذاری و وامهای خارجی بوده و در دست دولت تر کز دارد، که بالغ بر ۲۵۲ میلیون دالر میشود و تقریباً ۶۰ فیصد مصرف بیشتر پیشی شده را اختیار میکند. این حقیقت بیانگر این مطلب است که اقتصاد فعلی ما کاملاً یک اقتصاد نیمه استعماری است و دولت خود را ملل نفوذناچر بالیسم و مداخله فیس استعمار نوین در اقتصاد کشور است. حقیقت زیرین ادعای دارا بیشتر تأیید میکند: در جدول مصارف داخلی بلان دوم که ۱۱۶۹ میلیارد افغانی بوده، نصف آن یعنی ۵۸۴ ملیا رد افغانی، از طریق امداد مواد استهلاکی خارجی با دست آمده است. این امر نشان میدهد که افغانی نستان حیثیت بازار فروش فر آورده های اضافی، مالک امیر یا لیستی و مداخله فیس استعمار نوین را اختیار کرده است. سهم دول خارجی در این گونه «کمک» بقرار ذیل است:

ایالات متحده	۱۲۷۲	میلیون افغانی
اتحاد شوروی	۱۰۹۸	"
آلمان غربی	۲۸۸	"

و سسمة غذایی جهان (تحت نظارت دول امپریالیستی) ۵۱ میلیون افغانی علاوه بر مجموع امداد فنی و تکنیکی که تحت موا فقت نامه های مربوط (به اصطلاح توأمیت های فر هنگی وغیره) به افغان نستان داده شده و چو عا سالانه به ده میلیون دالر تخمین میکر دد، که استخدام متخصصین خارجی و اعزام محصلین افغانی بخش بیشتر آنرا احتوا میکند از این حقیقت چنین بر می آید که اقتصاد دولتی خود عامل نفوذ فرهنگ استعماری فاسد و دنیا لسه روان نوین آنها می باشد.

اکنون با یاد بر رسمی کرده، در نظر طرف بلان دوم، اقتصاد دولتی چه امرانی بار آورده است؟

مواصلات و معنای برات درین بلان، مقام اول را دارا بوده و مبلغ ۹ میلیارد و یکصد میلیون افغانی یعنی ۲۵ فیصد مجموع مصرف حقیقی بلان دوم را تشکیل میدهد. صنایع و معادن جای دوم را احراز و ۹ میلیارد افغانی یعنی ۲۴٫۷ فیصد مجموع مصرف حقیقی بلان دوم را احتوا میکند. زراعت و آبیاری ۵ میلیارد و سه صد ملیو ن افغانی یعنی ۲۶٫۶ فیصد مجموع مصرف حقیقی بلان را در بر میگیرد.

این از قام کوا آست که پلان دوم در افغانستان با به های اقتصادی یک اقتصاد نیمه استعماری را که در خدمت تا چران دلال برو کرات امیر یا لیسم و مدافعین استعمار نوین قرار دارد، استحکام بخشیده است. زیرا موا حملات و مداخلات برات

(ص ۴)

مایقین کامل داریم که آزادی حقیقی طبقات رنجبر فقط با دست خود رنجبران می تواند انجام گیرد.

بیکاری زاده تقویه سکتور دولتی

است.

چرخ نظام اقتصادی موجوده عده از طلاب فارغ التحصیل صنوف، دک بوروکرات و ناچر بوروکرات متوسطه و ابتدائیه بی وسیله در اکثر صرف منافع خود شان را بار آورده حصص مملکت در اثر نفوذ فرهنگ بارستگینی بدوشی طبقات رنجبر نیمه استعماری و نیمه ملاکی چنین نیمه رنجبر و دهقان تحمیل میکند. بار می آیند که نه پسر خود می خورند. ن بار کران اکثرآ به تهیدستی و نسه به درد مردم، چه شیوه این نر دهقانان درده، منجر شده و آنها فرهنگ، اکثرآ اما توره بار آورده این ا و ا می دارد که مسکن اصلی خود می کند. نقطه قابل تذکر دیگر این نون در شهر و بشهر ها رو آورند. است که نظریه احساس کمبود و سواد استهلاکی رونق گرفته می تواند، نمی شود این همه سیل بیکار، در در فابریکه ها جذب کرد. مامورین سابقه دار خورد رتبه راز کار برکنار سازد. و این خود موجب جدیدی را به امواج سابقه سیل بیکاری می افزاید. آیا طوفان این امواج بیکاری در چهره اقتصادی ما چه تأثیر سوء دارد؟ روشن است که در ساحه تولید چون نیروی مؤلده بیکاران حصه ندارد، حجم عمومی تولید رو به کاهش و تسلیت بیکاری نه تنها دهقان نهیدست و رنجبر شهری را در خود محتوا می کند، بل اهل کسبه، مولدین صنایع دستی، متعلمین صنوف تشبث ابتدائی، متوسطه ها، لیسه ها حتی لیسانسه ها را در بر می گیرد. سکتور دولتی اقتصاد در سر کوبی و ورشکسته کی تا جر خورده پا و بیکاری اهل کسبه رول بارز دارد، فرهنگ نیمه استعماری و نیمه ملاکی ما که بنام معارف متوازن مسمی شده، و هرچه بیشتر نفوذ به اصطلاح معلمین و متخصصین خارجی را در امور آموزش و پرورش اولاد و ملین اجازه می دهد جای معلمین و محصلین شایسته افغان را اشغال کرده و آنها را به جبهه بی کاران سوق می دهد. علاوه بر نیرنگ کانکور در گسترش صفوف روشن فکران بیکار، سهم عالی دارد، از همه بالاتر اینکه یک

(تخیم محمودی)

ع ، بنیاد

راه رشد غیر سرمایه داری

یار شده راه داری بیروکرات

امروز در آسیا ، افریقا و دریای لاتین يك عده از کشورها که زمانی مستعمره دول بزرگ امپریالیستی بودند ، رسماً به آزادی سیاسی نایل شده اند . در امر مبارزه به خاطر آزادی ملی ، تمام افراد و طبقات مردم این کشورها (به استثنای عده ناچیزی خائنین به ملت و نوکران سر سبزده استعمار) اشتراک دوزیده اند .

ولی از آنجا نیکه صد سال حاکمیت استعماری بر کرده این ملل سستی داشت ، طبقات رنجبر نتوانست بنا بر علل بی شمار و گوناگون ، رهبری مبارزات آزادی خواهی ملی را به کف گیرد . در نتیجه پس از حصول آزادی سیاسی ، حاکمیت دولتی به دست طبقات متوسط و در

برخی کشورها - ملاکین افتاد ، به بتزنیب درین کشورها دو نیت عایی ایجاد شده از نگاه ماهیت خویش متعلق به سیستم جهانی سرمایه داری بوده و در عین حال با دول پیشرفته امپریالیستی باختصر تضادی نیز دارد .

پس از کسب آزادی در پراپس این دول جوان از یکسو میراث شوم استعمار یعنی اقتصاد نیمه ملاکی و نیمه استعماری ، واز سوی دیگر وظیفه رشد اقتصادی و پیشرفت ملی فرار گرفت . در داخل سیستم تولیدی فنونت ملاکی در خارج ، سیستم طفیلی امپریالیستی موانع عمده در راه پیشرفت اقتصادی این کشورها به شمار می آید . با آنکه استعمار کران کهنه ازین کشورها بیرون رانده شده اند ولی نفوذ اقتصادی ایشان دست نخورده بجا ماند ، زیرا مرکز از در بیرون رفت ، ولی پلنگ از پنجره داخل شد . استعمارگران نوین ومدافعین استعمار نوین به شیوه های نوین استعماری باشند هرچه تمامتر بغارت ددمنشای خود درین کشورها ادامه میدهند . سیستم نو لیدی ملاکی زمینه مساعدی برای استعمارگران نوین (ومدافعین استعمار نوین) در داخل این کشورها بوجود آورده و ایشان بتوانند از یکسو این کشور

هارا بجهت منابع مواد خام و ازسوی دیگر بصورت با زار فروش خویش در آورند . بدین ترتیب مبرم ترین وظایفی که در برابرس دولت های جوان این کشورها قرار گرفت مبارزه بیکبر علیه امپریالیسم واز میان برداشتن سیستم منفور ملاکی بود . ولی سرشت طبقاتی این دولتها عمده راه تحقق کامل ویکبر هم دووظیفه نامبرده گردیده آنها با آنکه علم مبارزه ضد امپریالیستی را بر افراشته اند ، ولی بیکبری ندارند ، در برابر هم کانی بیش ده گام به عقب برگشته اند . در اوایل آنها در مبارزات ضد امپریالیستی خود به مو فسقیت عایی نایل شدند ، اکثر صنایع و وسسات را که در اختیار امپریالیستها قرار داشت هملی ساختند ولی همزمان با آن برای تیره ساختن افکار مردم بر نامه های سوسیالیستی و اسلام داشتند ، به استقرار خارج بقیه در صفحه ۳

دکتر هادی محمودی

عصر زوال امپریالیزم (۲)

تنها در سال ۱۹۶۷ به ۳۰ هزار میلیون دلار بالغ شده بود . نقصان دائمی بیلاس نادیات افزایش قروض و مصارف سرسام آور نظامی موجب کسر بودجه دائمی ایالات متحده مخصوصاً در سال های اخیر گردید که برای جبران آن بصورت ظاهری ، امپریالیزم امریکا دست به انتشار بی پروای دلار زد . ازیکسو نقصان تجارت خارجی و بیلاس نادیات بطور روز افزونی ذخیره طلای امریکارابه می کشید واز سوی دیگر جریان افتادن مقادیر زیاد دلار در بازارانفلاسیون شدیدی را باعث شده و نرخ کالای امریکائی را بالای برده که این بنوبه خود بر نقصان تجارت خارجی و کسر بیلاس نادیات می افزود . این عمل دائره واره میوه همچنان به جریان خود ادامه می داد و هر سال جدید نسبت به سال پیشتر

ذخیره طلا کمتر ، دلار کاغذی بیشتر نرخ ها بلندتر ، مصارف جنگی سنگینتر و نقصان بیلاس نادیات زیادتر و مهمتر از همه بی اعتباری بیشتر دلار ، این تهداب سنگ سیستم پول سرمایه داری را عهده می آورد . در حال حاضر مقدار کل دلار در جریان سراسر جهان به ۴۱۷ بلیون می رسد ، در حالیکه ذخیره طلای امریکا ۱۱۴ بلیون دلار بیشتر نیست . یعنی تقریباً از هر چهار دلار ، فقط یکی واقعا یک دلار است و سه بای مابقی کاغذ خالی! اینست علت تلاش زر جویان جهان ! دلار کاغذی که زمانی خود طلای ناب بود ، اکنون فقط کاغذی بیجا مانده !!

سرانجام علل بحران اقتصادی جهانی که سیستم جهانی سرمایه داری را از بیخ و بن بلرزش در آورده است ، کدامند ؟

۱- سرشت امپریالیزم ، یعنی : استثمار و صدور سرمایه ، مصارف جنگی و تشدید تسلیحات (میلیتاریزم) و شدت یافتن تضاد های میان خود امپریالیست ها که زاده تکامل ناموزون سیستم سرمایه داری انحصاری میباشند .

۲- رشد روز افزون جنبش زحمتکشان در داخل کشور های امپریالیستی از یکسو ، و گسترش و شدت یافتن مبارزات انقلابی خلق های آسیا ، افریقا و امریکای لاتین بر ضد استثمار ، و استعمار کهنه و نو شعله های آتش مبارزات خلق ها و ملل محکوم اکنون از جنگل های دلتای مکزیک در آسیا تا به جنگل های انبوه دریای کانکو در قلب افریقا و دامنه کوه های کلیمانجرو و اندس در امریکای لاتین دامن کشیده و امپریالیست ها و سنگهای زنجیری شانرا بگاسترمبدل میسازد جنبش زحمتکشان در کشورهای امپریالیستی با خنر و جنبش دموکراتیک ملی ، ملل محکوم خاور ، در جریان کبیر است که عقب گام امپریالیزم را هر روز تنگتر ساخته ، تضاد میان دول امپریالیستی را شدت بخشیده و سر انجام سیستم طفیلی و فرتوت امپریالیستی را بکوب خواهند سپرد زیرا این خلق و فقط خلق است نیروی محرکه که تاریخ جهان را میسازد (بایان)

«واصف» باختری

حماسه شعله ها

سوی همزم و همزنجیر وهم سنگر سر از دامان پندار سیاه خویشتن بردار . مگر از دشمنه خو بریزد رحمتان مگر زمین رو سپی خویان بد کوه مرامی در نهانگاه روان خویشتن داری مگر مینای نوح از شرنک ترس لبریز است ؟ کناه است اینکه میگوئی افق نار است و شب نار است و در نار است و نا هموار امید پیشنازی نیست در این راه ظلمتبار نوای همزم و همزنجیر وهم سنگرنمی دانی که جاویدان نباشند این سیاسی وینفسو نکاری ندارد پایه دیرندی اورنگ اهریمن سر آید این سب تاریک و غمگین و در پایان این سب این سب خاموشی هستی سوز و در فرجام این تاریکی تلخ وروا ن فرسا برآید آفتاب سرخ از خاور نو تنها نیستی در سنگر پیکار نو تنها نیستی رزم آزما بد یومردم خوار که از هر گوشه گیتی که از هر گوشه گاه و روستا و شهر نوای کارزار و بانگ رستا خیز می آید نوهم بر خیز و بارز مند کسی پیکار خوین را پذیراشو بسوی مرک هستی ساز دشمن سوز پویاشو مگر ای عمره و همزم هم زنجیر و هم سنگرنمی دانی که در این دشت و این صحرا در این وادی که بر آن بالهای مرک حوین سایه گسترده در این پهنا که مرغان پر فراز شاخسارانش سرور درخ میخوانند در این کشتی که آترا ناخدا یانفسونگستر بسوی ساحل بیداد می رانند در این دریای موج آکین و توفانزای غمهای توفانفرسا که اندر کارگاهانش روان زنجیر در کرده بیداد میسوزد که اندر روستا های تسی از سبز و آبش که اندر دشتهای خشک و سوزانش دل برزیکران چون نخل مان تشنه صحرا بود در آرزوی قیر کون آبری که از آن بردر خشد آتشی و تندبارانی فرود آید بسوی توست چشم روستایی پیرو مردانی که زخم تازیانه پشت شانرا کرده همچون گستراران پرشمار و چین و چشم صادراتی بینوا کاسدر دل شیبها برای کودکان خویشتن این سبزه های باغ رنج افسانه می گویند و چشم رهنوردانیکه بار رنجها بر سر دوش و دل بر جوش و لب خاموش در این دشت و دامان راه می پویند و چشم زرف بین قهرمانانیکه اندر گوشه های تار زندانها بیازنجیر ما ویند عای آهنین بر دست عمری زنده در گورند که تا بر خیزی زنجیرها را بشکنی و بر فرازی پرچم آزادی و بر فروزی آتشی تا این خسان این ناکساز در آن بسوزند

راه رشد سرمایه داری ...

پرداخته ، بر نامه های اقتصادی طرح نمودند و «سکسور دو لستی اقتصادی» را ایجاد کردند و به وسیله کسرتش دامنه ملی کردن، حتی سرمایه های ملی غیر دولتی را نیز به سکسور دولتی بدل ساختند **بدین نظر یقین شریانی اقتصاد ی کشور را بنام «بخش دولتی» بدست خود گرفتند . دولت به بزرگترین سرمایه داری یعنی سرمایه داران و کرات دلال و سکسور دولتی بزرگترین و مؤثرترین عامل وابستگی اقتصادی این کشور ها به بیگانگان (امپریالیسم و مدافعین استثمار نوین) گردیده از جانب دیگر طبقات حاکم درین کشور ها نظر به سرشت طبقاتی خود که هر روز همبستگی تبدیل خویش به سرمایه داران و کرات دلال بیشتر ارتجاعی و وابسته به بیگانگان (امپریالیسم و مدافعین استثمار نوین) میگردد، نتوانستند شیوه تولید ملاکی را از ریشه بر اندازند و به فقر و مسکنت مولدین اصلی رنجبران - نیمه رنجبران و دهقانان - پایان بخشند خواست اصلی دهقانان یعنی بدست آوردن زمین ، همچنان حل نشده باقیماند و یا در بهترین حالات به صورت نیم بند ، موقتی و ظاهری ماست مالی شد . در نتیجه این کشور ها هنوز هم در وضع نیمه استعماری و نیمه ملاکی بسر می برند .**

بطور نمونه یکی ازین کشور ها، برما را در نظر می گیریم. رشد بخش دولتی اقتصاد درین کشور بیش از سایرین بوده و به قول بعضی ها «بیش از آنکه آن عمده از کشورهای جوان آسیایی و آفریقایی است که راه رشد غیر سرمایه داری را بر کزیده اند .»

زمانه داران فعلی برما که متشکل از نظامیان عالی رتبه می باشد در سال ۱۹۶۲ رویکار آمد و بندریج بوسیله بر نامه های دولتی سکسور دولتی را کسرتش داد. در سال ۱۹۶۳ بانک ها ، تجارت برنج صنایع جنکلات و بطورول را ملی ساخت. سپس دست به دولتی کردن مؤسسات متوسط و کوچک متعلق به طبقه متوسط (تاجران ملی و غیره) در سال ۱۹۶۴ تمام بانک های عمده فروشی تجارت خرده و مغازه های کلان زنگسور و سراسر کشور مشمول قانون ملی کردن گسردید. در سپتمبر ۱۹۶۴ دولت برما اعلام داشت بیش از ۳۴ نوع محصول زراعتی که دهقانان مجبور به فروش بهیهای نازل تعیین شده از طرف دولت گردیده بودند بکلی تحت کنترل حکومت در آمده است . در سال ۱۹۶۶ باز هم اعلام شد که ۴۲۶ نوع محصول صنعتی ، زراعتی و دریایی بوسیله دولت خرید و فروش میگردد .

پس از آنکه بیسمارک دولتی کردن مؤسسات صنعتی را در پیش گرفته ، یک نوع سو سیالیسم قلابی پدید گشته که هر آن دارد به چیزی شبیه نوکسرتش و جفته خواری تغییر شکل میدهد و بدون هیچگونه تر دیدی تمام مالکیت های دولتی، حتی نوع بیسما رکی آنرا سو سیالیسم می خواند که

پیکار با اندیشه های زهر آگین

مدافعین استثمار نوین و یا سازشکاران با نیرو های سیاه داخلی و خارجی این دشمنان راه نجات خلق، با ماسکهای گوناگون و با عقاید ماستمالی شده میخواهند خلق ستمدیده و محروم ما را یکبار دیگر بگودال سیاه بدبختی سرنگون ساخته و میدان تاخت و تاز استثمار گران را وسیع تر نموده و مانع ای در راه پیشرفت مردم بسوی سر منزل مقصود ایجاد نمایند .

کشتار جمعی از فرزندان صدیق خلق امثال دکسور محمودی سرور جویا ، برانعلی تاج و غیره با طرق و ذرائع گوناگون به شیوه ضد مردمی ، تعدی و تعرض نیرو های سیاه داخلی و خارجی برای ملت ما رنجها و بدبختی های فراوانی به ارمغان آورده است کشتار فرزندان صدیق خلق نمودار زورمندی قدرتهای سیاه نیست بلکه وابسین تلاشهای آنان و نیز دیکی توده به پیروزی است ایستند حقیقت عینی و تخطی نا پذیر .

نیرو های سیاه هر اندازه بیشتر به آد مکشی دست زند و با قدرت هر چه بیشتر گلوی خلق را فشا و دهند و (ندا خلق) را مختنق سازند جنبش نجات بخشی توده ها نیرومند تر و مرکب تر تجعین نزدیکتر خواهد شد .

شیوه انتقاد اصولی تنها در درون خلق مورد عمل قرار میگیرد ولی هرگز نمیتوان امید داشت که امپریالیستها و رنجعش از طریق انتقادات اصولی مهربانی نشان داده و براه راست بر گردند .

یگانه راه نجات خلق، راه تشکل نیرو های خلقی است. برای مبارزه علیه ارتجاع ، امپریالیسم و مدافعین استثمار نوین، برای طرد استثمار نو و کهنه ، در راه پیروزی خلق به

پیش، وبخاطر پیروزی بنیاد زنده کی نوین به اراده زحمتکشان و رنجبران بگذاریم تجعش و نیرو های سیاه و تمام عناصر دو بوشه بر فرزندان صدیق خلق در این راه نجات بخش خنجر زنند. ما با ایمان بر اینکه ابد لوزی پیشرو عصر نوین و مملاک قضاوت قسرو شنسفر و نیرو های تر قیخواه افغانستان است و به ایمان بنوده ها و به شرط اینکه با آنها یکی شویم از تهدیددار و دسته ضد خلقها هراسی نداریم و در راه همبستگی و نجات توده های رنجبر افغانستان بدون رعب و ترس و با اراده شکست نا پذیر مبارزه خواهیم کرد .

جاوید باد مبارزات دیمو کراتیک نوین .

پیکار با اندیشه های زهر آگین استثمار و همد ستا نش چه در کشور ما و چه در ممالک مختلف به خور شیدی می ماند که در ظلمت غرب فرو میرود . در حالیکه جنبش رهایی بخش زحمتکشان و رنجبران روز بروز شکوفان شده و چون خورشید صبحگاهی از افق سر بیرون می کشد .

نیرو های تر قیخواه و وطن پرست افغانستان منوجه هستند که عصر ما عصر زوال امپریالیسم است . امپریالیسم در برابر جنبش های خلقهای آسیا ، آفریقا و امریکای لاتین قدرت مقاومت را از دست داده و وابسین روز های حیات خود را سپری می کنند جنبش های ضد ملاکی و ضد سرمایه داری خلقهای سراسر جهان و عارش ظفر نمودار زحمت کشان و رنجبران لوزه بر اندام کلیه نیرو های ضد خلقی و ضد دیمو کراسی انداخته است .

استعمار گران و همد ستا نشان در برابر این سیل خسرو شان و این جنبش ظفر نمودار رنجبران و ستمدیدگان به خاطر منافع طبقاتی و اباقی خود در برابر نیروهای پیشرو نوده ای از هیچ نوع ددمنشی دریغ نمی کنند .

اگر ازین منطلق پیروی گردد ، آنکه و شرکت دریا نوردی دولتی و «صنایع چینی سازی دولتی» و حتی دکانهای خیاطی غنچه در اردو نیز سو سیالیستی بوده و حتی دولتی کردن فاحشه خانه ها نیز چنانچه یک چا کس در کاه در دوران سلطه فریدریکه ویدلهلم سوم بطور جدی پیش نهاد میکرد . سو سیالیستی می باشد .»

امروز برای گروه های انحصاری کشور امپریالیستی و سرمایه داری بیروکرات دلال در کشور های نیمه سو سیالیسم قلمداد نمایند و لی کردن، و یا «سکسور دولتی» را «سو سیالیسم» قلمداد نمایند و لی واقع امر ، ملی کردن در کشور به مستعمره که تحت سلطه سرمایه داران بیروکرات دلال قرار داشته باشد ، به معنی رشد سرمایه داران بیروکرات ، و ور شکستگی طبقات متوسطه (تاجران ملی و غیره) و وابستگی بیشتر کشور به بیگانگان (امپریالیسم و مدافعین استثمار نوین) است .

این رنجبران بر ما اند که با بازوان نیرو مند خود، صاحب هر چیز خود خواهند شد ، نه کس دیگری .

(پایان)

«بقيه ص اول»

اقتصاد دولتي کنونی ما که...

عصری شرط اصلی بهره‌کشی کا دل و عمه جا نیه تا جبران دلال راتسکیل عیبند . سروری منابع طبیعی زمینہ استنسا ر امپر یا لیسم و مدافعین استعمار نوین را مہیا میسازد .

نو لیدات صنعتی پلان پنجسالہ بازم بیشتر سبب تقویت آن رشتہ عالی از اقتصاد شدہ کہ در خدمت باجرا ن دلال بروکرات و امپر یا لیسم و مدافعین استعمار نوین قرار دار د . چنانچہ افزایش تولید انرژی برق ، زغال ، گاز ، پنبہ کسواہ این مطلب است .

بایران بصورت عمومی نتیجہ پلان دوم در اقتصاد کشور عبارت است از :

در ساحہ مالی و بانکی ما را بہ امپر یا لیسم و مدافعین استعمار نوین تشدید نموده است .

در ساحہ زراعتی با عت بہرکشی بیشتر و وسیعتر امپر یا لیسم و مدافعین استعمار نوین را ایجاد نموده است .

در ساحہ زیر بنای اقتصاد ی زمینہ سبب سرکوبی و ور شکستگی تاجر ملی ، اصل کسبہ و اقتصاد خانگی رو سنائی گردیده است .

در ساحہ زراعتی با عت تنزل تولیدات مواد غذایی و بانکی بیشتر ما بہ مواد استهلاکی و افزایش مواد خام صنعتی صا درائی شدہ است .

عمده این عوامل سبب شدہ ، کہ موج پیکاران رو سنائی را بہشہرا سرا زیر ساختم از یکسو با عت منسکل صف روز افزون پیکاران کردیدہ و از سوی دیگر بہ کاهش تولیدات و انفلاسیون ، صعود نرخہا بار آورده و مشت و آلام مر لدین اصلی نعمات مادی را بیشتر سازد .

وضع اقتصادی فعلی ما چنین است . از پلان سوم اقتصادی ، جهت رشد آنرا میتوان تعیین نمود : اولاً ، سبب سر مایہ خارجی بیشتر

مردم قهرمان و بتنام
جنگ شما جنگ آزادی بخش است . بیروزی نہایی از آن شماسست تا طرد نہایی امپر یا لیسم از خاکتان بہ جنگ تودہ ہی و آزادی بخش دوام بدہید . ہمہ مردم انقلابی جہان از شما پشتیبانی خواہند کرد .

میشود ، و ۴۷ فیصد مجموع سرمایہ گذاری را در بر میگیرد کہ این فیصدی بادر نظر گرفتن مجموع مبلغ سرمایہ گذاری پلان سوم یعنی ۴۹ ملیارد افغانی ، افزایشی را نظر بہ پلان دوم نشان میدہد . نانیا ، امداد مواد استهلاکی خارجی تقریباً ۴۰ فیصد بیشتر از پلان دوم پیش بینی شدہ . ثالثاً ، سرمایہ گذاری خصوصی را در رشتہ های صنایع مواد غذایی ، استهلاکی و تعمیراتی سوق داده است . رابعاً ، سنگینستی حجم سرمایہ گذاری از صنایع و معادن بزراعت و آبیاری انتقال یافته است .

زہونزد جامعی د اوسنی طبقاتی

روابط و یوہ خچیر نہ

زورہ علمی او مترقی تفکر دی تہاوی تر خو چہ دہری پدیدہ دی بازرسی دبارہ نہ دذہنی تعریف ، بلکہ باید د موجود عینی واقعیتو او مشخص تحلیل نہشروع وشی . بہ اجتماعی خچیر نہ کی ترعر خہ دہخہ باید د تولید شیوہ وپیندندل شی چہ زہون پخیرود کی د تولید اساسی لیار ملاکی دہ . خیمکہ د تولید پرا خہ مخکہ لرونکی داستعمار کروپنکارہ طبقہ دہ . پبعین حال کی تجارت ہم د تولید بہننی بنہ کی دیر اہمیت لری او تجارتی پانکہ پس د مخکی نہ زہون د اوسنی تولید بہ مناسباتو کی یوبل عامل کیل کیبری . نو ددی واقعیت بہ رہا خیل اجتماعی طبقاتی مناسبات بہیہ لاندی ڈول وموو .

د خا کو چیغہ

ولسی زوندون دبارہ یا رانہ زہونہ زہونہ غوا و پوخیل حقونہ . زما نہ ز موندہ ساقی دکی بیسانی چینی بیسانی نسی زہونہ زہونہ پیمانی ڈاکو خیلی ، میخانہ زمو نہن مدہ زوی رہا باو زوی مطرب دی ترانہ ی زہونہ زہونہ زہونہ مطرب نوی . ترا نہ زہونہ زہونہ زہونہ ورا نو کنیوا لو کبئی موندہ کله نورو سپرو پیاہنکونہ لرو فسر ونہ کلغانو زہونہ زہونہ مال او سر زہونہ فریادی دا فغان ولس دبارہ دایثار وینہ رکو کبئی مستانہ زہونہ زہونہ

مخدیہا شم (زمانی)

بنا بر آن پلان سوم از یکسو باعث رشد بیشتر خاصیت نیمہ استعماری و نیمہ ملاکی اقتصاد ما گردیدہ و از سوی دیگر سرمایہ گذاری خصوصی را عمده در آن رشتہ عانی سوق داده اند کہ ورود مواد استهلاکی خارجی باعث ور شکستگی آن میگردد . زیرا تاجر ملی توان رقابت با استعمار کپہنہ کار امپر یا لیسمی و مدافعین استعمار نوین را ندارد . تحلیل فوق نشان میدہد کہ نفویہ سکتور دولتی اقتصاد و استکی بیشتر ما را بہ امپر یا لیسم و مدافعین استعمار نوین باز آورده و علت اصلی فقر ، بیکاری ، جہل و بیبازی بودہ عای رنجبر ، نیمہ رنجبر و دہقان بشمار میرود . از آنجا نیکہ سیاست ، بیان فشرده اقتصاد است . بناً عر تحول اقتصادی کہ بتفع بودہ عای مر لد اصلی با شدہ ، فقط میتوان از راد ذکر کوئی عای عمیق سیاسی تحقق پذیرد .

اوتاجر بیروکرات ، خرنگہ چہ زہون دہمملکت اقتصاد دودی بہمقابل کی مہمہ ختہ تشکیلوی دخلک اول نمبر دشمنان دی .

داملی مولدینو کارگران او بزگران ، او دہمخ کی ذکر شوی کتہ و روتکی طبقہ بہ منخ کی بو پیرہ کتہ طبقہ شتہ او دہ جانبہ خاصیت لری چہ ہم ستم کوی او ہم ستم کالی او بہ مختلفو اقتصادی سویو زوند کوی او پہل عبارت دی طبقی تہ متوسطہ طبقہ ویلا ی شو ،

عغوی چہ ددی طبقی بہ عالی مشرکی پراتہ دی د اقتصاد لہ تقطی نظر ہ ملی تاجرو تہ ویلا ی شو او با تہ برخہ نی د اصلی مولدینو سرہ پہ یوہ قطار دیری ، کم رتبہ دولتی مامورین ، وپوکی تاجران ، روشنگران ، متوسط زمینداران او کسب کرانہ دی طبقہ کی خای لری داو لہ بہ زور و اجتماعی خای لری داو لہ بہ زور و اجتماعی ارزبست و پدہ ، داو لہ سیغیر د لہری قشر خخہ د خلک د دوستانو شمیرل کیری :
صاحب امتیاز و مدیر مسئول
دا کتر رحیم (محمدودی)
آدرس حصہ اول جادہ میوند
متصل مہمان ورکشاب
حساب در پختنی تجارتی
با تیک (۷۲۷۴)
حق الاشتراک
مرکز ۱۰۰ افغانی
ولایات ۱۱۰
خارج ۱۰ دلار
ہر پنجشنبہ نشر میشود
قیمت ہر شمارہ دو افغانی
دولتی مطبعہ

صاحب امتیاز و مدیر مسئول
دا کتر رحیم (محمدودی)
آدرس حصہ اول جادہ میوند
متصل مہمان ورکشاب
حساب در پختنی تجارتی
با تیک (۷۲۷۴)
حق الاشتراک
مرکز ۱۰۰ افغانی
ولایات ۱۱۰
خارج ۱۰ دلار
ہر پنجشنبہ نشر میشود
قیمت ہر شمارہ دو افغانی
دولتی مطبعہ